

مصادیق لهُو الحدیث " کدامند؟

۱۸مهر / رسالت

استاد ابوالفضل بهرامپور

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل - و اذا تلى عليه آياتنا... (سوره لقمان، آيات ۷ و ۶)

لهو الحديث و سرگرمی های حرام

گفته اند این آیه درباره نضربن حابث نازل شده است. (۱) او برای تجارت به ایران سفر می کرد و داستانهای ایرانیان را فرا گرفته، برای قریش نقل می کرد و می گفت: اگر محمد برای شما سرگذشت عاد و ثمود را بیان می کند، من هم داستانهای رستم و اسفندیار و اخبار کسری و سلاطین عجم را بازگو می کنم. لذا عده ای به طرف او می رفتند.

برخی گفته اند این آیه درباره کسی است که او کنیز خوانده ای خریداری کرده بود و شب و روز خوانندگی می کرد و او را از یاد خدا غافل می نمود.

از پیامبر (ص) روایت است که فرمود: آموزش کنیزان خواننده و خرید و فروش آنها حرام است و درآمدی که از این راه به دست می آید نیز حرام است. چرا که خداوند فرموده است "و من الناس من يشتري لهو الحديث..." (۲).

غنا و موسیقی و مشغولیت به برنامه های منحرف کننده از دامهای شیطان است.

در مجمع البیان آمده است که اکثر مفسران بر آنند که مراد از آن غنا و موسیقی غافل کننده است. (۳) و لکن حق آن است که مراد از آن هر چیزی است که انسان را از یاد خدا و از پرداختن به قرآن و یاد معاد، سرگرم و غافل سازد و غنا یکی از مصادیق آن است. امام صادق (ع) فرمودند: آن عبارت است از طعن در حق و استهزای آن. (۴)

روزنامه ها و رسانه های وابسته، چه داخلی و چه خارجی که بر ضد دین و اعتقادات اسلام و تخریب شخصیت های دینی می گویند و می نویسند، همه مورد خشم آیات کریمه قرآن است که از آن به "لهو الحدیث" تعبیر آورده است. امروزه چرخه افکار مردم جهان در دست همین جراید و رسانه هاست که از طریق پخش اکاذیب و بهتان ها و تحریفها بر ضد کشورهای مسلمان و پیامبران و کتب آسمانی تخریب عقاید می کنند و منحرفین وابسته داخلی هم کاسه لیس آنها هستند که برای گمراه کردن مردم، دروغ پردازی های بیگانگان را در کشور اسلامی پخش می کنند و این عمل در مقابل چشمان برخی مسئولان کشوری تحت عنوان آزادی بیان ادامه پیدا می کند. این امور است که بازار قرآن را کساد می کند و لهو الحدیث را رونق می بخشد.

در آیات قبل از آیه مذکور، محسنین کسانی بودند که به نماز و زکات ملتزم و به رستخیز یقین داشتند. مشغولیت آنها بندگی خدا و حکمت آموزی قرآن بود. در مقابل آنها کسانی مطرح می شوند که عمر خود را با کفر و گناه، به ویژه با غنا و موسیقی می گذرانند و فرصت خود را از فکر کردن درباره مبدا و معاد به لهو و لعب مصروف می دارند. لذا می گویند:

عده ای از مردم هستند که سخنان باطل و بیهوده و سرگرم کننده را می خردند (و من الناس من يشتري لهو الحديث) تا خلق خدا را از جهل و نادانی از راه خدا گمراه سازد (ليضل عن سبيل الله بغير علم) و آیات خدا را به استهزا بگیرد (و يتخذها هزوا). آنان، برایشان عذاب خوار کننده ای است (اولئك لهم عذاب مهين).

ابوجهل برای استهزای سخنان پیامبر و قرآن، به مردم می گفت، آیا می خواهید شما را از قومی که محمد ما را بدان تهدید می کند، اطعام کنیم؟ آنگاه به آنها کره و خرما می خوراند و می گفت این همان زقوم است! (۵)

حکم سرگرمی هایی که از آموزش معارف دین باز دارد:

لهو الحديث...

یعنی آنها به گرمی از لهو الحدیث استقبال می کنند و خریدار آنند. این تعبیر مفهوم در بر گیرنده ای دارد که شامل هرچه انسان را به خود سرگرم کند و از خدا غافل نماید، می گردد. مانند مجالس غنا و خوشگذرانی به صورت دائمی، سخنان و فیلمهایی که محض سرگرمی و وقت گذرانی دارد، جراید و مجلات و سریالهای سرگرم کننده محض همه را شامل می شود. (۶)

۱۰۴۷

چه بسا غرق شدن در تماشای برخی ورزشها که یکی پس از دیگری مداومت پیدا می‌کند که به صورت دائم و پیگیر انسان را به خود مشغول کند و از آموزش دین و ایمان و دیگر تکالیف دین بازدارد. خوانندگی و آهنگها و شعر و ترانه‌های عاشقانه‌ای که از وصف چشم و ابروی اشخاص، بیرون نمی‌رود و محتوای آن گمراه کننده و کشاننده به فحشا باشند مخصوصا اگر این اشعار شامل وصف زنان و تعریف محرمات از شراب و زنگرایی باشد، از محرمات مسلم میان شیعه و سنی است.

اما اگر شعرخوانی و خوانندگی غیرحرام مانند آنچه که در تشویق و ترویج نیکی‌ها و مبارزه با فساد و دعوت به صالحات و در جهاد و بعضی شادی‌ها دینی یا عروسی اسلامی انجام می‌گیرد، حساب دیگری دارد. خواندن قرآن و اشعار عرفانی اصلاح نفس و خدا دوستی یا صوف خوش سفارش شده است.

راه این است که فقهای اسلام که سروران ما و واجب الاطاعه هستند، نوار و سی‌دی‌های مشخص و تعیین شده‌ای را شخصا گوش بدهند و آنگاه در حلیت آنها مجوز صادر کنند که کمک شایانی هم برای صدا و سیما می‌شود. فقط در این صورت استماع آن حلال است. در صورتی که عده‌ای خیال کرده‌اند چند نفر کارمند غیر فقیه، فلان وزارتخانه مجوز پخش صادر کنند و یا آن را صدا و سیما پخش کند، دلیل حلال بودن آن است. مگر در صورتی که پخشهای صدا و سیما مستقیما و جزء به جزء با فتوای صریح ولی امر مسلمین تایید شده باشد.

همچنین داستان سرایی‌های بی‌محتوا در قهوه‌خانه‌ها و یا رسانه‌ها که فقط خیال پروری و سرگرمی است مانند داستان رستم و اسفندیار و یا سریال‌های خرافی و فاقد آموزش، طبق این آیه همه اینها به دلیل غافل سازی انسان از پرداختن به خدا و شناختن معاد و اصلاح نفس، ممنوع و مذموم و الهو الحدیث است که بازار قرآن گرایی و دین آموزی را کساد می‌کنند. امیر مومنان (ع) فرمود: هر چیزی که انسان را از یاد خدا غافل کند، در حکم قمار است. (۷)

حال اگر این امور برای گمراهی و انحراف از دین و خدا باشد و استعمار و دشمنان اسلام به راه می‌اندازند، از گناهان مضاعف است و مبارزه با آن جهاد.

از خطرناک‌ترین انواع لهو الحدیث، رمان‌های عشقی و جنایی است که متاسفانه پاره‌ای فیلمها و سریالها از آنها الهام می‌گیرند. در این نوشته‌ها فحشا و جنایت و اختلاط زنان و مردان، عادی سازی می‌شود و به صورت کودتای خرنده به جنگ دین و قرآن می‌آیند. قابل توجه این است که "لهو الحدیث"، به جای "الحدیث اللهو" اشاره به این است که در اصل در آن لهو و بیهودگی است و سخن و حدیث، وسیله. بنابراین ممکن است این وسیله، فیلم و میزگرد و رمانهای عشقی و غیره باشد، پس حرمت آنها نیز ثابت می‌شود. چند حدیث

امام صادق (ع) فرمود: مجلس غنا و خوانندگی لهو و باطل، مجلسی است که خداوند به اهل آن نگاه نمی‌کند و این مصداق همان لهو الحدیث است که خدا فرمود، تا مردم را از راه خدا گمراه سازند (۸) و باز از آن حضرت نقل است در خانه‌ای که غنا باشد- غنا و خوانندگی حرام- ایمن از مرگ و مصیبت نیست و دعا در آن مستجاب نمی‌شود و فرشتگان داخل آن خانه نمی‌شود. از اینجاست که ماهواره‌ها که در دست دشمنان دین است و برای آسان کردن فحشا برنامه ریزی شده است، از نامبارک‌ترین محرمات است که مردم را از اعتقادات دینی خالی می‌کند.

امام صادق (ع) فرمود: از جمله کسانی که ملعون هستند، زن خواننده و کسی که به او جرات می‌دهد و کسی که آن پول را مصرف می‌کند. (۹)

همه خطر در اینجاست که سرگرم شوندگان به مشغولیت‌ها و لهو الحدیث، حاضر نیستند نصیحتی را بشنوند. لذا می‌گوید: وقتی که آیات و پیامهای ما بر او خوانده می‌شود، متکبرانه رو بر می‌تابد گویی که آیات و احکام ما را نشنیده است (و اذا تتلی علیه آياتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها)، گویی در دو گوش او سنگینی است که نمی‌شنود، پنبه در گوشها کرده است (کان فی اذنیه و قرا). پس آنها را به عذاب دردناکی بشارت بده (فیشره بعذاب الیم).

جوهر آیه کریمه این است که اینان به طور کلی به آیات الهی بی‌اعتناید و ارزشی برای آن قائل نیستند! تمام اوقات مردم را به خواندن جراید که غالبا موضوعات شخصی و فاقد فایده عمومی است و سریالهای سرگرم کننده می‌گذرانند که نیروی گوش دادن را

به پایان می‌رساند و حوصله‌ای برای شنیدن معارف باقی نمی‌ماند. ما در قرآن و تاریخ اسلام این همه داستانهای حقیقی و اعتقادی داریم، چرا در این حکومت اسلامی از آنها سریال نمی‌سازند که در رسانه‌ها از آن استفاده شود.

پی‌نوشتها:

۱- مجمع البیان، ج ۸ ص ۳۱۳ المیزان، ج ۱۶، ص ۲۲۴ صافی، ج ۴، ص ۱۴۰

۲- مجمع البیان، ج ۸ ص ۳۱۳

۳- مجمع البیان، ج ۸ ص ۳۱۳

۴- الکاشف، ج ۶، ص ۱۵۷. مجمع البیان، ج ۸ ص ۳۱۳ المیزان ج ۶، ص ۲۲۴

۵- مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۱۳ المیزان، ج ۱۶، ص ۲۲۴

۶- المیزان، ج ۶، ص ۲۲۰

۷- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۵

۸- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۸، باب تحریم الغنا

۹- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۳۸